

# برگی از دفتر ایثار



دفاع مقدس مظهر حماسه، معنویت و دینداری،  
ایثار و از خودگذشتگی است.  
مقام معظم رهبری



امور ایثارگران شرکت آب و فاضلاب استان هرمزگان



خون شهیدان ما امتداد خون پاک شهیدان کریم است



عزت امروز اسلام و مسلمین ثمره خون شهدا است



عزت و استقلال امروز ایران مرهون فداکاری  
و ایثارگری شهدا، جانبازان و آزادگان است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





### قردان خون شهدا و ایثار جانبازان باشیم

شهدا و جانبازان و کسانی که در راه انقلاب، دفاع مقدس و کشور از هیچ چیز دریغ نکردند، مایه افتخار این جامعه هستند. شهدا افرادی توانمند، متفکر، متعهد، شجاع، دلباخته و شیفته اهل بیت هستند و خون پاک شهدا سبب وحدت، احساس مسئولیت و حضور مردم در صحنه شده است. در نتیجه برای پاسداشت این همه شجاعت و فداکاری در تجلیل از مقام والای شهدا بایستی فراتر از برگزاری یادواره‌ها عمل کرد چراکه بدون شک معرفی بیشتر افکار، رشادت‌ها و فداکاری‌های شهدا با توجه به آسیب‌های موجود در جامعه، بسیار ضروری است. با توجه به بیانات مقام معظم رهبری مبنی بر تلاش دشمن برای فراموش کردن یاد شهدا در جامعه امروز، ما وظیفه داریم بیشتر از گذشته آنان را به جوانان مان معرفی کنیم.

کشور و دولت مقاوم ما اگر قله‌های رفیع اقتدار و قله‌های رفیع پیشرفت سیاسی و علمی را درنور دیده به خاطر مجاهدت شهدا بوده است. این اتفاق بزرگ به خاطر خون الهی شهدا و خونی که آنها در راه حق ریخته‌اند، بوده است خونی که رنگ و بوی الهی دارد. اینک ما موظفیم؛ نگذاریم رنگ و بوی شهادت کمرنگ شود و وظیفه دیگر ما این است که با برگزاری بزرگداشت برای شهدا، خانواده آنها را تکریم کنیم و شایسته خدمات آنها باشیم.

امین قصی

رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل



### اهم اقدامات انجام شده امور ایثارگران شرکت

\* پرداخت هزینه سفر ۴۰ نفر از خانواده معززشهدا، جانبازان و ایثارگران

\* خرید ۳۰۰ سبکد کالا و سرکشی از خانواده‌های معززشهدا، جانبازان و ایثارگران

\* تقدیر و اهدا کمک هزینه نقدی و غیر نقدی برای ۲۵ خانواده شهید

\* نامگذاری تصفیه خانه آب جاسک به نام شهید دمیارو مخازن ششصد دستگاه به نام شهید علی اتصالی

\* پرداخت ۱۰ مورد وام جهت رفاه فرزندان جانباز شاغل در شرکت

\* احداث رمپ ورودی جهت رفاه حال جانبازان در محل ورودی اغلب ساختمان‌های اداری استان

\* ارسال پیام گرامیداشت ۲۶ مرداد سالروز بازگشت آزادگان به میهن اسلامی از طریق اتوماسیون اداری و سامانه پیامکی

\* درج پیام گرامیداشت ۲۶ مرداد روی قبوض آب

\* برگزاری مسابقات تیراندازی و دارت

\* برگزاری جلسات هم‌اندیشی (بررسی پیرامون و مشکلات)

رسول محمدی

مشاور مدیرعامل در امور ایثارگران



یکی از آنها مرا هل داد و گفت: به تو مربوط نیست، برو سرجات بشین

گفتم: بچه‌ها! دارن ما رو برمی گردونن. الله اکبر. الله اکبر.

صدای الله اکبر بچه‌ها بلند شد. اسلحه‌ها را از دست سربازهای عراقی درآوردیم. جلوی راننده را گرفتیم و نگذاشتیم اتوبوس را برگردانند. سپس در اتوبوس را بازکردیم و پایین

پریدیم. داخل اتوبوس‌های دیگر هم درگیری شده بود. صدای فریادهای ما و درگیری مان با عراقی‌ها، باعث شد وضعیت مرزی به هم بخورد.

چند نفر از نیروهای ایرانی دوان دوان خود را به ما رساندند.

یکی از آنها گفت: برادر! تبادل قطع شده، زود فرار کنین و خودتون رو به اون طرف مرز برسونین

همه، دوان دوان از دست عراقی‌ها فرار کردیم و به طرف مرز دودیم. جلوی خط مرزی، تعداد زیادی از نیروهای ایرانی

تجمع کرده بودند و هرکدام از ما را که به مرز می‌رسیدیم، به زور از چنگ سربازان عراقی که مانع فرارمان به سمت خاک

ایران می‌شدند، رها می‌کردند. دست ما را می‌گرفتند و به طرف خودشان می‌کشیدند. آنگاه پیکر نحیف و نیمه

جان مان را بغل کرده و از کنار مرز دورمان می‌کردند.



### آزاده سلطان‌مائی مقدم

محل اسارت: دهلران عملیات نصر ۳

جانیاز: ۲۵ درصدی

محل زندان: آورگاه کرکوک عراق

### محل درج یکی از خاطرات اسارت

بالاخره پس از کش و قوس‌های فراوان به همراه تعدادی دیگر از اسرا سوار اتوبوس‌ها شدیم و کاروان ما به سوی آزادی راه افتاد.

چند ساعت بعد، اتوبوس‌ها در مکانی بیابانی توقف کردند. در فاصله ۵۰ صد متری مان، اتفاقی قرار داشت که تعدادی نیروی مسلح در اطراف آن دیده می‌شد. هنوز نمی‌دانستیم کجا هستیم و ما را کجا می‌بردند. اتوبوس‌ها جلوتر از

سایر اتوبوس‌ها بود. ناگهان متوجه شدیم اتوبوس‌های پشت سرمان، یکی یکی در حال دور زدن هستند. نمی‌دانستیم چه اتفاقی افتاده و چرا اتوبوس‌ها در حال بازگشت هستند. دوباره چشمم به امتداد جاده و آن اتاقک افتاد.

یکی - دو نفر از نظامیانی که آن طرف اتاقک ایستاده بودند، شبیه ایرانی‌ها بودند و محاسن داشتند. خوب که دقت کردم، دریافتیم بچه‌های سپاهند.

تا فهمیدم نزدیک مرزیم، از خوشحالی فریاد کشیدم: بچه‌ها! اینجا مرز، اینجا مرز ایران، آنها ایرانی‌ها! به یکباره همه بچه‌ها هلهله و شادی کردند. اتوبوس

ما هم مثل اتوبوس‌های دیگر شروع به دور زدن کرد، به راننده و نگهبان‌های محل اتوبوس گفتیم: پس چرا داریم دور می‌زنیم؟





تاریخ تولد: ۱۳۳۳  
محل شهادت: گرگان از توابع شهرستان میناب  
شغل: کارمند

### زندگی نامه

شهید اتصالی

شهید علی اتصالی در فروردین ۱۳۳۳ در بندر تپاب از توابع شهرستان میناب متولد شد. و در سنین کودکی به شهرستان بندرعباس عزیمت و دوران تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در آنجا گذراند و پس از آن به علت شغل پدرشان دوران نوجوانی را در شهرستان قشم گذراند. وی در سال ۱۳۵۴ به خدمت مقدس سربازی اعزام شد و پس از طی دوره آموزشی در کرمان خدمت خود را آغاز نمود. پس از گذراندن دوره سربازی به عنوان معلم به استخدام آموزش و پرورش شهرستان قشم در آمد. لکن به دلیل اختلاف با مدیر وقت آن اداره ناچاراً از شغل خود استعفا نمود. در سال ۱۳۶۱ ازدواج نمود و از ایشان دو پسر و یک دختر به یادگار مانده است. با اوج گرفتن آتش جنگ تحمیلی برای دفاع از مرزهای کشور و جلوگیری از حمله به نفتکش های ایرانی و مبارزه با ناوگان متجاوز آمریکای جنایتکار در سال ۱۳۶۶ به نیروهای بسیج در منطقه یکم نیروی دریایی سپاه پاسداران پیوست. پس از پایان جنگ تحمیلی به دلیل مهارت در دریانوردی و نیاز مبرم نیروهای نظامی به نیروی انسانی متخصص به همکاری با نیروی دریایی سپاه ادامه دادند و سرانجام در شامگاه ۱۸ مهرماه ۱۳۷۲ در درگیری با اشراار مسلح در سواحل کرگان در حین انجام ماموریت عملیاتی به درجه رفیع شهادت نائل آمد.



تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۶/۴  
تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۳/۲  
رسته: پاسدارها سمت معاون گروهان در  
ماووت عراق بر اثر اصابت ترکش به سر و  
پهلوی به فیض شهادت نائل آمد  
محل شهادت: سلیمانیه عراق، ارتفاعات  
اطراف شهر ماووت

شهید علی دریکوند

### زندگی نامه

شهید علی دریکوند در خانواده ای روستایی و مذهبی به دنیا آمد و تحصیلات خود را تا ششم ابتدایی ادامه داد. در ایام جوانی به خدمت سربازی رفت و سپس ازدواج کرد. قبل از انقلاب در کارخانه پارسیلون خرم آباد مشغول به کار بود. تا اینکه به خاطر فعالیت های انقلابی و ضد رژیم اخراج شد و بعد از انقلاب به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و بعد از سالها حضور در جبهه های نبرد حق علیه باطل، در حالی که از ناحیه پا در نبردهای قبلی مجروح شده بود در عملیات فتح ۵ در منطقه ماووت عراق به شهادت رسید.



شهید سلامتی  
نام: صمد سلامتی هرمزی  
تولد: ۳۹/۷/۱  
محل شهادت: مریوان  
شغل: پاسدار

### زندگی نامه

شهید سلامتی هرمزی در مهرماه ۱۳۳۹ در جزیره هرمز در خانواده ای مذهبی متولد شد و در همان جا دوران تحصیل خود را گذراند و با اوج گرفتن آتش جنگ تحمیلی و کشیده شدن جنگ به خلیج فارس برای دفاع از مرزهای کشور در عملیات والفجر ۴ در مریوان به درجه شهادت نایل گردید.

### بخشی از مناجات شهید چمران

(ای خدای بزرگ، ای ایده آل غایی من، ای نهایت آرزوهای بشری، عا جزانه در مقابلت به خاک می افتم، تو را سجده می کنم، می پرستم، سپاس می گویم، ستایش می کنم که فقط تو، آری فقط تو ای خدای بزرگ شایسته سپاس و ستایشی، محبوب بشری، فقط تویی، گمشده من تویی. ولی افسوس که اغلب تظاهرات فریبنده و زود گذر دنیا را به جای تو می پرستم. به آنها عشق می ورزم و تو را فراموش می کنم! اگر چه نمی توانم آنها را هم فراموشی (بنامم) چون یک زیبایی یا تظاهر فریبنده نیز جلوه توست و مسحور تجلیات تو شدن نیز عشق به ذات توست.)



شهیده عامیه عطایی نژاد  
در سال ۱۳۱۷ مش

### زندگی نامه

وی در دوران کودکی پدر بزرگوارش را از دست داد و بار تربیت گران را روزگار به گردن مادرش که انسانی مومن و خدا ترس بود نهاد. و یکسال بعد از گذراندن دوران متوسطه در سال ۱۳۳۶ مش با مرحوم عبدالله باغستانی ازدواج نمود. وی به واسطه شعر و شاعری و ارادت ویژه مرحوم پدرش باقر به شیخ فریدالدین عطار نیشابوری از این سعادت موروثی بی نصیب نمانده و از دوران نوجوانی با زبان شعر مانوس و با کلام شعر سخن می گفت وی مسلط به کلام و اشعار عرفانی بود که به منبع اصلی و نورانی آن کلامها که همان کلام الله مجید می باشد دست یافته و واقف گشت و با این فضیلت و دانش همسر و تمامی وابستگان دور و نزدیک خود را نیز بی نصیب نگذاشت. تا اینکه در دوازدهم تیرماه سال ۱۳۶۷ در سن پنجاه سالگی در سفری بی بازگشت در اوج آسمان خدا و بر صفحه نیلگون خلیج فارس بدست اجانب کشته بین سیه دل ددمنش نظامیان آمریکایی به همراه نزدیک به سیصد نفر از همراهانش به ملکوت اعلی پیوسته و به درجه رفیع شهادت نائل آمد.



شهید محمد و میار

تولد: ۱۳۱۳/ ۴/ ۱

محل شهادت: منطقه: فاو



### زندگی نامه

در روستای اسلام آباد کتونی از توابع رودان در خانواده مذهبی چشم به جهان گشود. با ورود به سن نوجوانی شروع به کار کردن نمود و بازوی راست پدر و نان آور خانواده شد. با رسیدن به سن ۱۸ سالگی به خدمت سربازی اعزام و در نیروی دریایی منطقه اسرپازی خود را پایان رسانید. پس از پایان خدمت ازدواج نمود شرایط سخت زندگی آن روزها او و خانواده خود را به شهر بندرعباس کشاند. در آن گرمای طاقت فرسای شهر مشغول به کار و در آوردن حلال برای گذراندن زندگی خود و برادر و خواهران کوچکتر از خود شد. اوایل خدمت در اداره آب مشروب آن زمان به عنوان کارگر ساده مشغول شد و پس از آن که مسئولیت و صداقت او را مشاهده کردند، در سال ۵۱ به عنوان کارگر دائم در منبع آب بندرعباس در محل کمربندی به عنوان نگهبان ادامه خدمت داد. از خصلت های منحصر به فرد ایشان میتوان به برپایی نماز اول وقت و صله رحم اشاره کرد. ایشان جزو اولین افرادی بود که از طرف اداره آب به جبهه اعزام شد.

در تاریخ ۱۳۶۵/۶/۲۶ در منطقه فاو به درجه شهادت نائل گردید.



### تقدیر از خانواده شهید



### تقدیر روز جانباز



### جلسه با امور ایثارگران

